

تفسیر سوره حجرات

استاد قرائتی

جلسه دهم آیه ۱۲

آیه (۱۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا إِنَّهُ يُحِبُّ الْعَدُوَّ كَلَّ لَحْمٍ
أَخِيهِ مَيْتًا فَكِرْهُتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمان ها دوری کنید، زیرا بعضی گمان ها گناه است (و در کار دیگران) تجسس نکنید و بعضی از شما دیگری را غیبت نکنند، آیا هیچ یک از شما دو ست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد! پس آن را ناپسند می دانید و از خداوند پروا کنید، همانا خداوند توبه پذیر مهربان است

نکته ها:

در قرآن نسبت به حسن ظن سفارش شده است ، ولی از گمان بد نسبت به مسلمین نهی گردیده است

مثلاً در سوره نور می خوانیم : (لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا) (۲۱۱) چرا درباره بعضی شنیده ها حسن ظن ندارید؟

همان گونه که در آیه نهم این سوره برای امانت و حفظ جان مردم ، همه مسلمانان را مسئول مبارزه با یاغی دانست ، این آیه نیز برای امانت و حفظ آبروی مردم سوء ظن ، تجسس و غیبت را حرام کرده است .

امروز تمام حقوق دانان جهان از حقوق بشر حرف می زنند، ولی اسلام به هزاران مسئله توجه دارد که حقوقدانان از آن غافلند. چنانکه غیبت را ضربه به حقوق بشری می داند.

هیچ گناهی مثل غیبت به درتدگی بی رحمانه تشبیه نشده است آری ، گرگ نیز نسبت به گرگ این کار را نمی کند!

و لیس الذَّنْبُ يَكُلُ لَحْمَ ذَنْبٍ وَيَأْكُلُ بَعْضُنَا بَعْضًا عَيَانًا سَوَّال : چرا به خاطر یک لحظه غیبت کردن ، عبادات چند ساله انسان محو می شود؟ آیا این نوع کیفر عادلانه است ؟

پاسخ : همان گونه که غیبت کننده در یک لحظه با غیبت آبرویی که سال ها بدست آمده را می ریزد، خداوند هم عباداتی که او سال ها بدست آورده را از بین می برد.

بنابراین محو عبادات چند ساله ، یک کیفر عادلانه و به اصطلاح مقابله به مثل است.

پیام ها:

۱ ایمان همراه با تعهد است و هر کس ایمان دارد باید از یک سری اعمال دوری نماید. (یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا...) (ایمان ، با سوءظن ، تجسس از کار مردم و غیبت از آنان سازگار نیست)

۲ برای دوری از گناهان حتمی باید از گناهان احتمالی اجتناب کنیم (چون بسیاری از گمان ها گناه است ، باید از همه گمان های بد، دوری کنیم) (اجتنبوا... ان بعض الظن اثم)

۳ اصل بر اعتماد، سلامتی ، کرامت و برائت انسان است (ان بعض الظن اثم)

۴ مردم در جامعه اسلامی باید هم در فکر مورد سوءظن کسی قرار نگیرند و هم کسی کارشان را تجسس نکند و هم در مجالس آبرویشان ریخته نشود. (بعض الظن اثم لاتجسسوا ولا یغتب...) ...

۵ برای نهی از غیبت باید زمینه های غیبت را مسدود کرد. (راه ورود به غیبت ، اول سوء ظن ، بعد پیگیری و تجسس و پس از کشف عیب ، غیبت شروع می شود، لذا قرآن به همان ترتیب نهی کرده است) (اجتنبوا کثیرا من الظن لاتجسسوا ولا یغتب)

۶ گناه گرچه در ظاهر شیرین است ، ولی در دید باطنی و ملکوتی خباثت و تنفرآور است (یاء کل لحم اخیه میتاً) (باطن غیبت ، خوردن گوشت مرده است و درباره هیچ گناهی این نوع تعبیر بکار نرفته است)

۷ در نهی از منکر از تعبیرات عاطفی استفاده کنیم (لا یغتب اء یحب احدکم ان یاء کل لحم اخیه)

۸ یکی از وسائل آموزش و تربیت ، استفاده از مثال و تمثیل است (اء یحب احدکم) ...

۹ تعجب از کسانی است که دیگران را غیبت می کنند و یا بدان گوش می سپارند. (اء یحب احدکم) ...

۱۰ غیبت حرام است ، از هر سن و نژاد و مقامی که باشد. « (احدکم) شامل کوچک و بزرگ ، مشهور و گمنام ، عالم و جاهل ، زن و مرد و... می شود)

۱۱ مردم باایمان برادر و همخون یکدیگرند. (لحم اخیه)

۱۲ آبروی انسان مثل گوشت بدن او وسیله قوام اوست (لحم اخیه) ...

۱۳ کافر غیبت ندارد. (چون کافر، برادر مسلمان نیست) (لحم اخیه)

۱۴ همان گونه که مرده قدرت دفاع از خود را ندارد، شخصی که مورد غیبت است نیز چون حاضر نیست ، قدرت دفاع از خود را ندارد. (میتاً)

۱۵ اگر از بدن زنده قطعه ای جدا شود، امکان پر شدن جای آن هست ، ولی اگر از مرده ای چیزی کنده شود، جای آن همچنان خالی می ماند. آری ، غیبت، آبروی مردم را بردن است و آبرو که رفت دیگر جبران نمی شود. (لحم اخیه میتاً)

۱۶ غیبت کردن ، درندگی است (یاء کل لحم اخیه میتاً)

۱۷ غیبت کردن ، با تقوی سازگاری ندارد. (لا یغتب واتقوا الله)

۱۸ در اسلام بن بست وجود ندارد، با توبه می توان گناه گذشته را جبران کرد. (لایغتب ان الله تواب رحیم)

۱۹ عذرپذیری خدا همراه با رحمت است (تواب رحیم)

اقسام سوء ظن

سوء ظن اقسامی دارد که از بعضی آنها نهی شده است:

۱ سوء ظن به خدا، چنانکه در حدیث می خوانیم: کسی که از ترس خرج و مخارج زندگی ازدواج نمی کند، در حقیقت به خدا سوء ظن دارد؛ یعنی خیال می کند اگر تنها باشد خدا قادر است رزق او را بدهد، ولی اگر همسر داشته باشد، خدا قدرت ندارد و این گونه سوء ظن به خداوند، ممنوع است.

۲ سوء ظن به مردم، که در این آیه از آن نهی شده است.

۳ سوء ظن به خود، که مورد ستایش است آری، انسان نباید نسبت به خود حسن ظن داشته باشد و همه کارهای خود را بی عیب بیندارد. حضرت علی علیه السلام در صفات متّقین (در خطبه همام) می فرماید: یکی از کمالات افراد باتقوا آن است که نسبت به خودشان سوء ظن ندارند.

افرادی که خود را بی عیب می دانند، در حقیقت نور علم و ایمانشان کم است و با نور کم، انسان چیزی نمی بیند. مثلاً اگر شما با یک چراغ قوه وارد سالی شوید، جز اشیای بزرگ چیزی را نمی بینید، ولی اگر با نور قوی (مانند پرژکتور) وارد سالن شوید، حتی اگر چوب کبریت یا ته سیگار در سالن باشد می توانید آن را ببینید.

افرادی که نور ایمانشان کم است، جز گناهان بزرگ چیزی به نظرشان نمی آید و لذا گاهی می گویند: ما کسی را نکشته ایم! از دیوار خانه ای بالا نرفته ایم! و گناه را تنها این قبیل کارها می پندارند، اما اگر نور ایمانشان زیاد باشد، تمام لغزش های ریز خود را می بینند و به درگاه خدا ناله می کنند.

یکی از دلایل آنکه امامان معصوم آن همه گریه و مناجات داشته اند، همان نور ایمان و معرفت آنان بوده است.

آری، اگر کسی نسبت به خود خوش بین شد (و هیچ سوء ظن درباره افکار و رفتار خود نداشت)، هرگز ترقی نمی کند.

او مثل کسی است که دائماً به عقب خود نگاه می کند و راههای طی شده را می بیند و به آن مغرور می شود، ولی اگر کمی به جلو نگاه کند و راههای نرفته را ببیند، خواهد دانست که نرفته ها چند برابر راههایی است که رفته است!

آیا وقتی که می بینیم قرآن به پیامبرش با دستور (قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا) (۲۱۲) می فرماید: به دنبال زیاد شدن علم خود باش، و با دستور (شاورْهُمْ فِي الْأَمْرِ) (۲۱۳) می فرماید: تو با مردم مشورت کن، و با دستور (فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ) (۲۱۴) می فرماید: هر لحظه از کاری آزاد شدی باید کار جدیدی را به شدت دنبال کنی، با این دستوراتی که خداوند به اشرف مخلوقات دارد، آیا صحیح است امثال ما خود را فارغ التحصیل و بی نیاز از مشورت بدانیم و مسئولیتیمان را تمام شده احساس کنیم و به خود حسن ظن داشته باشیم؟

بنابراین ما نباید نسبت به خود خوش بین و حسن ظن داشته باشیم، ولی باید به الطاف الهی و رفتار مردم حسن ظن داشته باشیم. توجه به این نکته نیز لازم است که معنای حسن ظن، سادگی، زودباوری، سطحی نگری، غفلت از توطئه ها و شیطنت ها نیست اُمت اسلامی هرگز نباید به خاطر حسن ظن های نابجا، دچار غفلت شده و در دام صیادان قرار گیرد.

غیبت چیست ؟

غیبت آن است که انسان در غیاب شخصی چیزی بگوید که مردم از آن خبر نداشته باشند، چنانکه اگر آن شخص بشنود ناراحت شود. (۲۱۵) بنابراین انتقاد روبرو یا عیبی که مردم می دانند و یا اگر غیبت شونده ناراحت نشود، غیبت نیست.

در حرام بودن غیبت فرقی میان غیبت کردن زن و مرد، کوچک و بزرگ، آشنا و غریبه، معلّم و شاگرد، پدر و فرزند، مرده یا زنده نیست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دست از سر مرده ها بردارید، کسی که مُرد، درباره اش خوب بگویید. (۲۱۶)

غیبت در روایات

امام صادق علیه السلام فرمود: غیبت کننده اگر توبه کند، آخرین کسی است که وارد بهشت می شود و اگر توبه نکند، اولین کسی است که به دوزخ برده می شود. (۲۱۷)

امام رضا علیه السلام از امام سجاد علیه السلام نقل می کند که هر کس از ریختن آبروی مسلمانان خود را حفظ کند، خداوند در قیامت لغزشهای او را نادیده می گیرد. (۲۱۸)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس زن یا مردی را غیبت کند، تا چهل روز نماز و روزه اش پذیرفته نمی شود. (۲۱۹)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در قیامت هنگامی که نامه اعمال انسان به عدّه ای داده می شود، می گویند: چرا کارهای خوب ما در آن ثبت نشده است ؟

به آنها گفته می شود: خداوند نه چیزی را کم می کند و نه آن را فراموش می کند، بلکه کارهای خوب شما به خاطر غیبتی که کرده اید از بین رفته است، در مقابل افراد دیگری هستند که کارهای نیک فراوانی در نامه عمل خود می بینند و گمان می کنند که این پرونده از آنان نیست، به آنها می گویند: به واسطه غیبت کردن، نیکی های کسی که شما را غیبت کرده، برای شما ثبت شده است. (۲۲۰)

رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخرین سفر خود به مکه فرمودند: خون شما و مال شما و آبروی شما محترم است، همان گونه که این ماه ذی الحجة و این ایام حج محترم است (۲۲۱)

در روایات، نام غیبت کننده در کنار کسی آمده که دائماً شراب می خورد. «تحرم الجنّة علی المغتاب و مُدّین الخمر» (۲۲۲)

در روایات می خوانیم: کسی که عیوب برادر دینی خود را پی گیری (و برای دیگران نقل) کند، خداوند زشتی های او را آشکار می کند. (۲۲۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله در آخرین خطبه در مدینه فرمودند: اگر کسی غیبت کند، روزه او باطل است (۲۲۴) یعنی از برکات و آثار معنوی که یک روزه دار برخوردار است، محروم می شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یک درهم ربا از سی و شش زنا بدتر است و بزرگ ترین ربا معامله با آبروی مسلمان است (۲۲۵)

در حدیث می خوانیم: نشستن در مسجد به انتظار نماز جماعت، عبادت است البتّه مادامی که غیبت نکنیم (۲۲۶)

جبران غیبت

برای جبران غیبت هایی که در گذشته مرتکب آن شده ایم اگر غیبت شونده از دنیا رفته است، باید توبه کرده و از درگاه خداوند عذرخواهی کنیم که البتّه خداوند توبه پذیر است اما در صورتی که او زنده و در قید حیات باشد، اگر به او بگوییم که ما غیبت تو را کرده ایم ناراحت می شود (به گفته بعضی از مراجع تقلید، نباید به او گفت، بلکه باید بین خود و خداوند توبه کنیم و اگر امکان دسترسی به شنوندگان است، به نحوی با ذکر خیر و تکریم از آنها تحقیر گذشته را جبران کنیم و اگر غیبت شونده ناراحت نمی شود از خود او حلاّیت بخواهیم.

شیخ طوسی در شرح تجرید بر اساس حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: اگر غیبت شونده غیبت را شنیده است، جبران آن به این است که نزد او برویم و رسماً عذرخواهی کرده و حلاّیت بخواهیم، اما اگر نشنیده است، باید هرگاه یادی از غیبت شونده کردیم، برای او استغفار نماییم «انّ کفّاره الغیبه اءن تستغفر لمن اغتبتّه کلّما ذکرته» (۲۲۸)

موارد جواز غیبت

در مواردی غیبت کردن جایز است، به بعضی از موارد آن اشاره می کنیم:

۱ در مقام مشورت؛ یعنی اگر شخصی درباره دیگری مشورت خواست، ما می توانیم عیب های کسی که مورد مشورت است را به مشورت کننده بگوییم.

۲ برای ردّ حرف، عقیده باطل و اشخاصی که دارای چنین اعتقاداتی هستند، تا مبدا مردم دنباله رو آنها شوند.

۳ برای گواهی دادن بر ضد خلافتکار نزد قاضی همان گونه که برای ردّ ادّعاهای نابجا باید حقیقت را گفت.

۴ برای ردّ گواهی شاهی که مورد اطمینان نیست.

۵ برای اظهار مظلومیت، بیان کردن ظلم ظالم مانعی ندارد.

۶ کسی که بدون حیا و آشکارا گناه می کند، غیبت ندارد.

۷ برای تقیّه یا ردّ ادعاهای پوچ ، غیبت مانعی ندارد. مثلاً می گوید: من مجتهدم ، دکترم ، سیّد هستم ، و می دانیم که او اهل این صفات نیست ، جایز است به مردم آگاهی دهیم که او اهل این صفات نیست.

خطرات غیبت

در غیبت کردن گناهان دیگری نیز نهفته است از جمله:

۱ اشاعه فحشا، نشر دادن بدی های مردم به قدری خطرناک است که نه تنها نشر، بلکه علاقه به نشر آن نیز عذابى دردناک دارد. (۲۲۹)

۲ تحقیر و خوار کردن مؤ من.

۳ سخن چینی.

۴ جنگ و فتنه انگیزی.

۵ ظلم و گناهان دیگر...

انواع غیبت

غیبت گاهی با زبان ، گاهی با اشاره ، گاهی با نوشتن ، گاهی با عکس ، شکل و مجسمه ، گاهی با تقلید کردن از او و گاهی با سکوت کردن می باشد.

مثلاً می گوید: حیف که دین جلو زبانم را گرفته است و با این کلمه به همه می فهماند که فلانی عیب های زیادی دارد. و یا با گفتن الحمدلله که ما گرفتار نشدیم ، می فهماند که فلانی گرفتار شده است.

گاهی با عیب گرفتن از خود می فهماند که دیگری عیب دارد، مثلاً می گوید: انسان ضعیف است! ما همه کم صبریم! یعنی او ضعیف و کم صبر است.

گاهی بعد از شنیدن غیبت می گوید: سبحان الله ، الله اکبر و با این ذکر گوینده را برای ادامه دادن به غیبت تشویق می کند، و گاهی با زبان می گوید: غیبت نکنید، ولی قلباً دوست دارد بشنود، که این نفاق است.

آثار غیبت

الف: آثار اخلاقی و اجتماعی

۱ پیدا شدن کینه و از بین رفتن اعتماد و ایجاد اختلاف و فتنه در میان مردم و کنار زدن افراد مفید جامعه.

۲ جرات بیشتر بر گناه زیرا همین که انسان فهمید مردم از عیب و خلافتکاری او آگاه شده اند و آبرویش رفته است ، جرات او بر گناه بیشتر می شود و تصمیم بر ترک و توبه در او از بین می رود.

۳ نشر عیب مردم ، محیط و جامعه را آلوده و جرات دیگران را بر گناه نیز اضافه می کند.

۴ حس انتقام را تحریک می کند. زیرا همین که غیبت شونده فهمید که دیگری آبرویش را برده ، به فکر می افتد که او نیز آبروی غیبت کننده را بریزد.

به عبارت دیگر غیبت کردن امروز ما، سبب جرات مردم بر غیبت کردن از ما می شود. «لاتغتب فتغتب» و کسی که برای برادرش چاه بکند، خودش در آن می افتد. (۲۳۰)

ب : آثار اخروی

۱ غیبت کردن ، سبب از بین رفتن حسنات و خوبی هاست (۲۳۱)

۲ غیبت ، مانع قبول شدن طاعات الهی است

۳ غیبت کردن انسان را از مدار ولایت الهی خارج و در مدار دیگران قرار می دهد. (۲۳۲)

انگیزه و ریشه های غیبت

۱ گاهی ریشه غیبت ، عصبانیت و غضب است در بعضی کتب آسمانی آمده : اگر هنگام غضب مرا یاد کنی و کظم غیظ کنی ، من نیز هنگام غضب تو را یاد می کنم و غضب نمی کنم (۲۳۳)

۲ گاهی همسو شدن با دیگران عامل غیبت است ، او می بیند که دیگران از شخصی بدگوئی می کند و چون می خواهد خودش را همسوی آنان قرار دهد، او نیز غیبت می کند، غافل از آنکه غضب نقد و قطعی خدا را می خرد، به امید محبوبیت احتمالی نزد دوستان ! و برتری دادن رضای مردم بر رضای خداوند، بزرگ ترین خسارت است.

۳ گاهی انگیزه غیبت ، بزرگ نشان دادن خود است ؛ یعنی دیگران را خراب می کند تا خودش را بزرگ جلوه دهد. او نیز قهر قطعی الهی را می خرد به آرزوی محبوب شدن احتمالی نزد مردم که این معامله پر خسارت است.

۴ گاهی انگیزه غیبت ، مسخره کردن است ، غافل از آنکه او غیبت شونده را نزد افراد کمی تحقیر می کند، ولی خداوند در قیامت او را در برابر تمام خلائق تحقیر خواهد کرد.

۵ گاهی با اظهار تعجب غیبت می کند. مثلاً می گوید: من تعجب می کنم که فلانی با آن همه علم و اطلاعات چرا این گونه شد! در حالی باید تعجب کند که با این کلمه چگونه آن همه عبادات خودش را به نابودی می کشاند!

۶ گاهی ریشه غیبت حسادت است.

۷ گاهی برای سرگرمی ، از دیگران غیبت می کند.

۸ گاهی برای تبرئه خود از عیبی ، عیب را به گردن دیگران می اندازد و غیبت می کند.

۹ گاهی از روی دلسوزی غیبت می کند و می گوید: من دلم برای فلانی که گرفتار فلان مسئله شده است می سوزد

البته عوامل متعدّد دیگری نیز سبب غیبت می شود.

شنیدن غیبت

وظیفه شنونده ، گوش ندادن به غیبت و دفاع از مؤمن است در حدیث می خوانیم : «السَّامِتُ شَرِيكُ الْقَائِلِ » کسی که غیبت را بشنود و سکوت کند، شریکِ جرم گوینده است (۲۳۴)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس غیبتی را شنید و آن را ردّ کرد، خداوند هزار درِ شرّ را در دنیا و آخرت بر روی او می بندد، ولی اگر ساکت بود و گوش داد، گناه گوینده برای او نیز ثبت می شود. (۲۳۵) و اگر بتواند غیبت شنونده را یاری کند ولی یاری نکرد، خدا در دنیا و آخرت او را ذلیل می کند. (۲۳۶) زیرا سکوت ، سبب می شود افراد مفیدی در جامعه به حال فلج در آیند و کسی از آنها دفاع نکند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر در مجلسی از کسی بدگوئی شد باید آنان را از این عمل باز دارد و از مجلس خارج شود. (۲۳۷)

در آیه ۳۶ سوره اسراء می خوانیم : هر یک از گوش و چشم و دل در قیامت مورد بازخواست قرار می گیرند، بنابراین ما حق شنیدن هر حرفی را نداریم.

در روایتی ، غیبت کردن ، کفر و شنیدن و راضی بودن به آن ، شرک دانسته شده است (۲۳۸)

شیوه های ترک غیبت

۱ توجه به خطرات غیبت و آثار منفی آن که در صفحات قبل به آن اشاره شد.

۲ یاد عیب های خود. حضرت علی علیه السلام می فرماید: چگونه عیب مردم را می گوئی در حالی که خودت یا مثل همان خلاف را داری و یا بدتر از آن را مرتکب شده ای و بر فرض آن عیب را نداری ، همین جرات تو بر نقل خلاف و عیب دیگران ، از عیب آنان بدتر است (۲۳۹)

در روایات می خوانیم : خوشا به حال کسی که عیب خودش او را مشغول کند (و به فکر اصلاح باشد) و کاری به عیب مردم نداشته باشد. (۲۴۰)

تذکرات

در پایان بحث غیبت ، چند تذکر لازم است:

۱ حرمت غیبت تنها در این سوره و این آیه نیست ، بلکه از آیات دیگر مانند آیه (وَلِكُلِّ هَمْزٌ لَمْزَةٌ) (۲۴۱) وای بر هر عیبجوی هرزه گو و آیه (لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ) (۲۴۲) خداوند دوست ندارد

بدی های مردم علنی شود، نیز حرام بودن غیبت استفاده می شود.

۲ در غیبت باید انگیزه عیب جویی باشد، ولی اگر عیب مردم را برای اصلاح دیگران گفتیم ، مانعی ندارد هر چند شخص را ضی نباشد. مثلاً اگر خصوصیات بیمار را به پزشک بگوییم گرچه بیمار راضی نباشد، اشکالی ندارد.

۳ در غیبت باید شخص معین باشد، اگر گفتیم : بعضی چنین و چنانند و مردم مصداق آن بعض را ندانند مانعی ندارد.

۴ گاهی عنوان غیبت در کار نیست ، ولی گفته ها به عنوان توهین ، تحقیر، اشاعه فحشا می باشد که حرام است.